



معاونان سازمان شیلات ایران از آغاز عملیات اجرایی «طرح سراسری پایش هوشمند شناور های صیادی» خبر داد و از آن به عنوان راهکاری اساسی برای پایان دادن به صید غیر مجاز یاد کرد.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، عطاءالله رئیسی در این مراسم به تشریح ضرورت های نظارتی پرداخت و اظهار کرد: «این پروژه ملی بسا بهره گیری از زیرساخت های نوین، مأموریت دارد تا شفافیت، انضباط و قانونمداری را به فعالیت‌های صیادی در آب‌های کشور بازگرداند.

رئیس‌ی با تأکید بر اینکه مدیریت سستی دیگر پاسخگوی حجم فعالیت‌های دریایی نیست، افزود: استقرار این سامانه پایش، رکن اصلی صید مسئولانه در کشور است.

وی خاطر نشان کرد: با راه‌اندازی این سیستم، امکان نظارت لحظه‌ای و کنترل دقیق‌ی مقررات فنی فراهم می‌شود که مستقیماً قدرت تصمیم‌گیری مدیریتی را برای بهره‌برداری بهینه از منابع ملی افزایش می‌دهد. معاون سازمان شیلات خاطر نشان کرد: کاهش محسوس تخلفات صیادی و مدیریت هدفمند ناوگان در مقیاس ملی، از مهم‌ترین خروجی‌های این تحول تکنولوژیک خواهد بود.

در ادامه این نشست، معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع سازمان شیلات ایران نیز به اهمیت نقشه راه علمی در صنعت شیلات اشاره کرد و گفت: استقرار سامانه‌های هوشمند، زیربنای اصلی برنامه‌ریزی علمی و تخصیص عادلانه منابع است.

این مقام مسئول یادآور شد: اطلاعات دقیق و به‌روز حاصل از این پایش، باعث ارتقای سطح کارآمدی، شفافیت و پاسخگویی در قبال ذخایر ارزشمند دریایی شده و مسیر توسعه پایدار راهموار می‌کند. گفتنی است، بر اساس اعلام مسئولان سازمان شیلات ایران، اجرای این طرح با همکاری تنگاتنگ مدیریت‌های حقوقی و تخصصی سازمان دنبال می‌شود و هدف نهایی این سامانه، ایجاد تمایز میان فعالیت‌های مجاز و غیرمجاز است تا از این طریق، معیشت صیادان بومی و قانونمدار در برابر برداشت‌های بی‌رویه و غیرقانونی محافظت شود.

بر اساس توافقات صورت گرفته، تعامل میان سازمان شیلات و جوامع محلی برای اجرای موفق این طرح ملی، به عنوان یک اولویت در دستور کار قرار گرفته است تا پهنه‌های آبی ایران با محیطی امن و بهرهور و تبدیل شود.

آغاز ایجاد مزارع پرورش آرتمیادرسواحل دریایچه ارومیه

مدیر شیلات و آبزیان آذربایجان غربی گفت: برنامه‌ریزی برای ایجاد مزارع پرورش آرتمیا در سواحل دریایچه ارومیه به عنوان یکی از طرح‌های راهبردی کشور در حوزه آبی‌پروری آغاز شده است.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، منصور لطفی در گردهمایی تعاونی‌های پرورش ماهی استان با اشاره به ظرفیت‌های منحصر به فرد دریایچه ارومیه برای توسعه زنجیره تولید آرتمیا گفت: در بخش‌هایی از ساحل شرقی دریایچه، امکان دسترسی پایدار به آب شور وجود دارد و این موضوع شرایط مناسبی برای ایجاد مزارع پرورش آرتمیا فراهم کرده است.

وی با بیان اینکه آرتمیا یکی از مهم‌ترین منابع تغذیه‌ای در صنعت تکثیر و پرورش آبزیان کشور است، افزود: توسعه مزارع آرتمیا در آذربایجان‌غربی می‌تواند نیاز داخلی را تأمین و وابستگی کشور به واردات این محصول را کاهش داده و امکان صادرات و ارز آوری برای کشور را هم فراهم آورد.

به گفته لطفی، برای هر هکتار مزرعه آرتمیا حدود ۲۰ هزار متر مکعب آب شور با شوری تا ۷۰ «ppm» نیاز است که می‌توان از طریق زه‌آب‌ها یا حفر چاه در اراضی شور حاشیه دریایچه تأمین کرد.

وی تأکید کرد: شوری آب چاه‌های منطقه بالاست و برای استفاده در پرورش آرتمیا نیاز به تعدیل دارد تا شرایط مناسب برای رشد آرتمیا فراهم شود.

مدیر شیلات و آبزیان آذربایجان‌غربی با اشاره به جایگاه ملی استان در تولید آبزیان گفت: سالانه بیش از ۲۰ هزار تن انواع آبزیان در استان تولید می‌شود و آذربایجان‌غربی در میان استان‌های غیر ساحلی کشور رتبه نخست را در بهره‌برداری از منابع آب‌های داخلی دارد.لطفی افزود: پیش‌بینی می‌کنیم در سال جاری بیش از ۷۷۰۰ تن انواع ماهی بومی و گرمابی در منابع آبی استان تولید و بهره‌برداری شود.



گروه اقتصاد دریا– سعید بهبد که از خبرنگاران نام آشنای دریایی کشور و فعال در پایگاه خبری مارین نیوز وابسته به انجمن مهندسی دریایی ایران است، به طور مفصل به بررسی بودجه ۱۴۰۵ و نشانه‌های بی توجهی به توسعه دریایی کشور پرداخته است. این گزارش تحلیلی که روی خروجی مارین نیوز هم قرار گرفته است؛ بسیار مفصل است و امکان نشر کامل آن در روزنامه نیست؛ اما حسب اهمیت توجه به موضوع بر آن شدیم که بخش هایی از آن را با تلخیص آزاد، باز نشر دهیم:

بررسی ها به طور مشخص نشان می دهد که دریا در لایحه بودجه ۱۴۰۵، موضوع سیاست‌گذاری مستقل و یکپارچه تلقی نشده و جایگاه آن به سطح اجرای مأموریت‌های پراکنده دستگاهی تقلیل یافته است. این در حالی است که قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، با اختصاص فصل مستقل به «گذر (ترانزیت) و اقتصاد دریامحور» و تصریح اهداف کلی، تکالیف نهادی و سازوکارهای هماهنگی، رویکردی فرابخشی و راهبردی را برای توسعه دریامحور ترسیم کرده است. این ساختار پراکنده همچنین اولویت‌بندی راهبردی پروژه‌ها و برنامه‌های دریامحور را تضعیف می کند.

فقدان پیوندنهادی ساختار بودجه دریایی

از منظر فنی، فقدان پیوند نهادی میان ساختار بودجه و ابزارهای آماری مکمل، از جمله «حساب‌های اقماری اقتصاد دریا»، این ضعف را تشدید کرده است. با وجود تأکیدهای مکرر در اسناد بالادستی بر سنجش سهم اقتصاد دریا در تولید و اشتغال، این رویکرد در نظام بودجه‌ریزی سال ۱۴۰۵ به‌صورت عملیاتی نهادینه نشده و اعتبارات مرتبط با دریا فاقد چارچوب منسجم ارزیابی عملکرد باقی مانده‌اند. در مجموع، ساختار کلان لایحه بودجه سال ۱۴۰۵، بازتاب‌دهنده تلقی دریا به‌عنوان یک زیرساخت عمومی

یکی از مصادیق بارز این پراکندگی، عدم شفافیت‌ها در وضعیت منابع مالی صندوق توسعه صنایع دریایی است. با وجود مبانی قانونی مشخص برای تأمین منابع این صندوق (مانند ۱۰ درصد کرایه حمل مایعات نفتی و گازی و فروش شنناور)، وقفه اجرایی ۱۳ ساله در عمل، و عدم انعکاس شفاف و کافی این منابع در لایحه بودجه ۱۴۰۵، عملاً مانع از تحقق اهداف توسعه‌ای این حوزه شده است. همچنین، عدم شفافیت‌ها در وضعیت منابع مالی صندوق توسعه صنایع دریایی است. با وجود مبانی قانونی مشخص برای تأمین منابع این صندوق (مانند ۱۰ درصد کرایه حمل مایعات نفتی و گازی و فروش شنناور)، وقفه اجرایی ۱۳ ساله در عمل، و عدم انعکاس شفاف و کافی این منابع در لایحه بودجه ۱۴۰۵، عملاً مانع از تحقق اهداف توسعه‌ای این حوزه شده است.

در این راستا، به نظر می‌رسد که فقدان یک چارچوب سیاست‌های

مالی و بودجه‌ای توسعه دریامحور اقدام نشده‌اند و نحوه

ایفای نقش آن‌ها در تأمین مالی هدفمند این حوزه به‌طور

یکپارچه تبیین نشده است.

با وجود اهمیت این ظرفیت‌ها، ویژگی‌های مشترک آن‌ها

موجب می‌شود که نتوانند به‌عنوان منابع شفاف و هدفمند

توسعه دریامحور عمل کنند؛ از جمله اینکه:

• ماهیتا عمومی، بخشی و دستگاه‌محور هستند؛

• تخصیص و مصرف منابع آن‌ها تابع اولویت‌های

درون‌سازمانی و ملاحظات کلان بودجه‌ای است؛

• و امکان شناسایی، تجمیع، ردیابی و ارزیابی نظام‌مند آن‌ها به‌عنوان «منابع توسعه دریامحور» در ساختار لایحه بودجه وجود ندارد.

در مورد سازمان بنادر و دریانوردی، هرچند نظارت مالی در چارچوب نظام بودجه‌ریزی کشور و از طریق سازمان برنامه و بودجه، وزارت راه و شهرسازی، خزانه‌داری کل کشور و دیوان محاسبات انجام می‌شود و مجلس شورای اسلامی نیز از طریق تصویب قانون بودجه و گزارش‌های تفریع بودجه نظارت عالیه اعمال می‌کند، تمرکز بالای منابع درآمدی در یک نهاد دولتی تخصصی، بدون اتصال به یک سیاست بودجه‌ای یکپارچه دریامحور، می‌تواند ریسک‌های نهادی، عدم شفافیت کارکردی و ناهم‌راستایی با اهداف کلان توسعه دریامحور را تشدید کند.

پیامدهای نبود سازوکار تجمیع و ردیابی پراکندگی اعتبارات دریایی در فصول و دستگاه‌های متعدد، منجر به کاهش قابلیت ردیابی و تجمیع منابع مالی می‌شود. این کاستی، تصویری شفاف از میزان واقعی سرمایه‌گذاری دولت در حوزه توسعه دریامحور ارائه نمی‌دهد و فرآیند تصمیم‌گیری و نظارت را تضعیف می‌سازد. دلایل اصلی آن عبارت‌اند از:

• نبود شاخص‌ها و کدهای طبقه‌بندی مشخص برای

فعالیت‌های دریایی در نظام بودجه؛

• گزارش دهی کلی و فاقد تفکیک موضوعی در دستگاه‌ها؛

• فقدان سامانه جامع اطلاعات بودجه دریایی برای رصد،

تجمیع و پایش اعتبارات مرتبط با حوزه دریا.

پیامدهای این وضعیت عبارت‌اند از:

• ابهام در میزان واقعی سرمایه‌گذاری دولت در بخش دریایی؛

• دشواری در سنجش انطباق بودجه با اسناد بالادستی و احکام قانون برنامه هفتم؛

• کاهش اثربخشی نظارت پارلمانی و عملکردی دستگاه‌ها؛

• افزایش احتمال انحراف منابع از اهداف اصلی.

در مجموع، تصادم این پراکندگی و ضعف در ردیابی اعتبارات، یکی از مهم‌ترین کاستی‌های ساختاری لایحه بودجه ۱۴۰۵ از منظر توسعه دریامحور محسوب می‌شود.

غیبت تحلیل مستقل دریامحور

غیبت توسعه دریامحور به‌عنوان یک محور تحلیلی مستقل در گزارش‌های رسمی بررسی بودجه، به‌ویژه گزارش‌های عمومی و کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در فرآیند بررسی لایحه بودجه سالانه، با وجود تصریح اسناد بالادستی از جمله سیاست‌های کلی توسعه دریامحور و قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، قابل تأمل است. این وضعیت بیش از هر چیز ناشی از ماهیت فرابخشی این رویکرد و فقدان سازوکارهای شفاف برای شناسایی و ردیابی اعتبارات مرتبط با دریا در ساختار بودجه است؛

تلخیص «سراسرآمد»از یک گزارش تفصیلی –تحلیلی؛

فقدان چارچوب مستقل دریایی در ساختار کلان بودجه

به‌گونه‌ای که ادبیات رسمی تحلیل بودجه در حال حاضر امکان ارائه تصویری منسجم و قابل اتکا از جایگاه توسعه دریامحور در لایحه بودجه را فراهم نمی‌کند.

جمع‌بندی نهایی گزارش بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور از منظر توسعه دریامحور نشان می‌دهد که با وجود جایگاه راهبردی این رویکرد در اسناد بالادستی، از جمله سیاست‌های کلی توسعه دریامحور و قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، انعکاس آن در ساختار و منطق بودجه‌ریزی سال ۱۴۰۵ همچنان محدود و غیر منسجم است. در لایحه بودجه، چارچوب مشخص و مستقلی برای توسعه دریامحور پیش بینی نشده و اعتبارات مرتبط با حوزه دریا به صورت پراکنده در میان فصول مختلف و دستگاه‌های اجرایی توزیع شده‌اند؛ امری که امکان ردیابی، تجمیع و ارزیابی اثربخشی این اعتبارات را به صورت نظام‌مند با دشواری مواجه می‌سازد.

در کنار پراکندگی اعتبارات و فقدان سازوکار تجمیع پذیر در ساختار لایحه بودجه، نبود زیرساخت‌های آماری مکمل برای سنجش سهم واقعی اقتصاد دریا و ساحل نیز یکی از محدودیت‌های اساسی در ارزیابی توسعه دریامحور به شمار می‌رود. در حالی که در ادبیات تخصصی و در سطوح عالی حکمرانی، مفهوم حساب‌های اقماری به‌عنوان ابزاری استاندارد برای تفکیک و اندازه‌گیری فعالیت‌های دریامحور مورد توجه قرار گرفته است، عدم پیوند نهادی این ابزارها با نظام بودجه‌ریزی موجب شده است امکان پایش عملکرد و سنجش اثر گذاری اعتبارات دریایی در سطح کلان به‌طور مؤثر فراهم نشود.

بررسی تطبیقی لایحه بودجه ۱۴۰۵ با قانون برنامه هفتم پیشرفت نیز نشان می‌دهد که میان اهداف و تکالیف برنامه‌ای توسعه دریامحور و تخصیص‌های بودجه‌ای، پیوندی ساختاری و قابل سنجش برقرار نشده است. این وضعیت بیانگر آن است که اهداف راهبردی پیش بینی شده در سطح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، در فرآیند بودجه‌ریزی سالانه به‌طور کامل به سازوکارهای اجرایی قابل ارزیابی ترجمه نشده‌اند. افزون بر این، در سطح نهادی، ابهام و ناپایداری در تأمین مالی نهادهای تخصصی از جمله صندوق توسعه صنایع دریایی، ظرفیت این نهادها را برای ایفای نقش مؤثر در حمایت از توسعه فعالیت‌ها و صنایع دریایی محدود کرده است.

در مجموع، لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ اگرچه به‌صورت پراکنده شامل اعتبارات و احکامی مرتبط با حوزه دریا است، اما فاقد یک چارچوب یکپارچه، شفاف و قابل ارزیابی برای پیشبرد توسعه دریامحور است. این امر نشان‌دهنده تداوم خلأهای ساختاری در نظام بودجه‌ریزی کشور در این حوزه راهبردی و واصله موجود میان جهت‌گیری‌های اسناد بالادستی و ابزارهای اجرایی مالی است.



زیست محیطی فرامرزی محیط زیست دریای خزر الحاقی کنوانسیون تهران در مجلس شورای اسلامی، لایحه اصلاح پیوست‌های ۱) و ۲) سند الحاقی (پروتکل/کنوانسیون) پیشگیری از آلودگی دریا ناشی از تخلیه پسماند و سایر مواد در هیات وزیران و مجلس شورای اسلامی تصویب شد.

صدیقی همچنین از تدوین ضوابط فنی محیط‌زیستی خارج‌سازی کشتی‌های مغروق، ضوابط زیست‌محیطی لایروبی و لایریزی در دریا و دستورالعمل ارزیابی و مدیریت ریسک ناشی از سوانح و حوادث منجر به وقوع آلودگی در محیط زیست دریایی خبر داد.

مدیرکل دفتر بررسی و مقابله با آلودگی‌های دریایی سازمان حفاظت محیط‌زیست همچنین از نوسازی خط لوله ایوذر – خارگ با پیشرفت ۷۰درصدی خبر داد و گفت:احتمالا در بهار سال آینده عملیات نصب و جایگزینی خط لوله در دریا انجام و افتتاح خواهد شد، با اجرای این طرح بسیار مهم و کلیدی، بخش عمده ای از نشت نفت و آلودگی نفتی در خلیج فارس جلوگیری و از ایجاد خسارات زیست محیطی و اقتصادی در منطقه جلوگیری خواهد شد.وی گفت: دفتر بررسی و مقابله

مدیرکل دفتر بررسی و مقابله با آلودگی‌های دریایی سازمان حفاظت محیط زیست با تشریح عملکرد این معاونت در سال جاری، اجرای طرح پایش آلودگی میکروبی شناگاه‌های ساحلی خزر، تدوین ضوابط محیط‌زیستی خارج‌سازی کشتی‌های مغروق، تهیه شناسنامه برای واحدهای صنعتی و خدماتی مناطق ساحلی – دریایی و تعیین نقشه پهنه‌بندی آلودگی سواحل مکران را از جمله اقدامات مهم این حوزه برشمرد.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، امید صدیقی در خصوص مهمترین اقدامات انجام شده و برنامه های در دست اقدام این دفتر از ابتدای دولت چهاردهم تاکنون اظهار کرد: پروژه بررسی آلودگی عناصر سمی، ترکیبات هیدروکربنی و ذرات میکروپلاستیک در آب، رسوب و آبزیان سواحل مکران با نمونه‌برداری گسترده از آب‌های ساحلی مکران بین گواتر تا جاسک در ۱۵۶ ایستگاه در دو دوره زمانی پس‌مونسون و پیش‌مونسون در سال گذشته انجام گرفت و آنالیز نمونه ها، تحلیل داده ها و تهیه نقشه‌های پهنه‌بندی آلودگی سواحل و گزارش نهایی در سالجاری نهایی شد.

وی با اشاره به انتشار اطلس آلودگی ها و نقشه های پهنه بندی آلودگی سواحل مکران در آینده نزدیک افزود: تمرکز برنامه‌های توسعه‌ای در سواحل مکران، اجرای این پروژه و تعیین وضعیت آلودگی سواحل مکران به عنوان داده‌های پایه برای پایش و ارزیابی در سال‌های آتی از اهمیت و اولویت بالایی برخوردار است

وی در تشریح نتایج این بررسی‌ها تأکید کرد: نتایج نشان داد که سواحل مکران تا حدی با آلودگی‌های مختلفی از جمله فلزات سنگین، میکروپلاستیک‌ها و هیدروکربن‌ها مواجه است که در عمده مناطق پایش تن از حد مجاز بوده و در برخی موارد فراتر از حد مجاز است، غلظت برخی آلاینده‌ها مانند BTEX در آب پایین است، اما حضور میکروپلاستیک‌ها و آلودگی پساب‌ها در برخی مناطق تا حدی نگران‌کننده و نیازمند مدیریت و پایش مستمر است.

صدیقی همچنین از اجرای طرح پایش آلودگی میکروبی، کیفیت و سلامت آب سواحل، شناگاه‌های ساحلی و طرح‌های سالم سازی دریا در سواحل جنوبی دریای خزر خبر داد و افزود: در این پروژه بررسی و پایش بار آلودگی میکروبی و شرایط فیزیک و شیمیایی آبهای ساحلی خزر به ویژه